



سال شانزدهم
شماره ۱۸۰
خرداد ۱۴۰۵

اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری

عید قدیر!
تجلی احترام به جمع
و عقانیت است.



سال شانزدهم | شماره ۱۸۰ | خرداد ۱۴۰۵

نشریه داخلی اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری

محمد اسدی: توقع زندگی آرام با این حقوقها و تورم لجام گسیخته،

یک انتظار بیجا و غیر معقولی است

صفحه ۵۴

علی دهقان کیا: مسئولیت وضعیت موجود بر عهده دولت است نه سازمان تأمین اجتماعی

صفحه ۵

رعایت و اجرای دقیق وی بی کم و کاست
قانون اولین و مهمترین
درخواست ما از مسئولین محترم.
سلیقه ای عمل نکنیم

صفحه ۶

سیاست در لباس استادیوم!
چرا برخی ترجیح میدهند متعصب
بمانند تا آگاه؟

صفحه ۷

نفوذ بدون قدرت؛ بطور وقتی رئیس
نیستیم، رهبری کنیم؟



مطالبات به حق خود را به جد پیگیری می کنیم

صفحه ۲

دولت ها کمکی به تأمین اجتماعی نکردند
کارگران و پوزن نشینگان
شهروند درجه چندم نیستند

صفحه ۳

دار المجانین!
دست اندازی به حقوق بیمه شدگان
تأمین اجتماعی ممنوع

صفحه ۴

محمد اسدی:
تا اینجای کار سال ۱۴۰۵ برای
ما سال بسیار پرچالشی بوده
است

سید مجتبی قریشیان

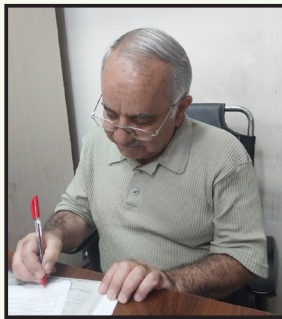
به قلم سردبیر

نگاه اول

حسین صادقی

سخن مدیر مسوول

تبعیضات ناروا، شوم و بد فرجام را هر چه سرریز متوقف کنید، ما شهروند درجه چندم نیستیم!!!



نکرده، بلکه از پرداخت بدهی های خود به سازمان تأمین اجتماعی طفره
میروند و از اجرای تعهدات خود در خصوص این سازمان شانه خالی میکنند
و شرایط را روز به روز برای این سازمان سخت تر و پیچیده تر میکنند.
براستی مبنای چنین تصمیمات و مصوباتی که با هیچ عقل سلیمی و منطقی
و حکم شرعی سازگاری ندارد چیست؟ چرا اینگونه بدعمل میکنید؟! چرا
در تصمیمات خود حتی بدیهیات اولیه عقلی را نیز در نظر نمی گیرید
و ابتدایی ترین اصول را نیز زیر پا می گذارید. حضرات محترم بپذیرید
که ما شهروند درجه دوم نیستیم، دست بر قضا چرخ تولید این کشور
بدست توانای همین جماعتی که شما آنها را نادیده میگیرید و غیر خودی
می شمارید چرخیده و میچرخد همین ها هستند که در برابر مشکلاتی که
تصمیمات ناصواب شما برایشان ایجاد کرده مثل کوه ایستاده اند و با سبلی
صورت خود را سرخ نگه می دارند و در کمال قدرشناسی و در بزرگراههای
حساس با جهت گیری درست و سنجیده سبلی به دشمن زده و او را ناامید
کرده اند. چرا این را در نظر نمی گیرید که سازمان تأمین اجتماعی یعنی
بیشتر از ۵۵٪ جمعیت، دقت کنید که اگر وضع همین گونه پیش برود و در بر
همین پاشنه بچرخد، ابر چالش و ابر بحران آینده کشور می تواند چالش
ها و بحرانهای قشر کارگر و پوزن نشین باشد. آن وقت برای حل مشکلات
و بحرانها خیلی دیر است. گره گشا باشید و گره روی گره نیندازید و بی
جهت بحران آفرینی نکنید مطمئن باشیم که در دراز مدت ادمه ی این
وضعیت و تبعیض ها به نفع خود شما هم نیست. پس تا دیر نشده سامان
دادن به وضعیت نابسامان فعلی را چاره جویی کنید.

نیم نگاهی به برخی از
تصمیمات بعضی از دولت
مردان و تعدادی از مصوبات
مجلس تبعیضات آشکار و
ناروا را بین بازنشستگان
سازمان تأمین اجتماعی با بازنشستگان دولتی، لشکری و کشوری بخوبی
نشان می دهد. این تبعیضات به هیچ عنوان از مبنای شرعی و عقلی
و منطقی برخوردار نیستند و جداً انسان از وجود آنها متحیر و شگفت
زده میشود، بعنوان مثال افزایش مزایای جانبی حقوق بازنشستگان
دولتی، لشکری و کشوری در حالیکه این افزایش به صورتیکه برای
بازنشستگان مذکور اعمال شده، شامل حال بازنشستگان تأمین اجتماعی
نشده است. نمونه دیگر این تبعیض ناجوانمردانه و غیر منطقی و غیر عقلایی
تبعیضی بود که مجلس برای سال ۴۰۴ مصوب کرد که ۱٪ به مبلغ مالیات
بر ارزش افزوده اضافه شود و این ۱٪ اضافه شده جهت تأمین منابع مالی
برای متناسب سازی حقوق بازنشستگان لشکری و کشوری در نظر گرفته
شود، حال آنکه این ۱٪ اضافه شده بر مالیات بر ارزش افزوده از جیب همه
این مردم پرداخت شده ولی فقط صرف گروههای خاص شده است. نکته
این مصیبت بار و تلخ ماجرا اینجاست که دولت برای تأمین منابع مالی اجرای
متناسب سازی بازنشستگان خودش از این طریق پیش بینی های لازم را
بعمل آورده است، ولی در یک تبعیض آشکار و ناجوانمردانه نه تنها منبعی
را برای متناسب سازی حقوق بازنشستگان تأمین اجتماعی پیش بینی

از ایثار قربان تا عدالت غدیر: تجلی کرامت انسانی و عدالت علوی در سفره کارگران و بازنشستگان

عید سعید قربان، نماد تسلیم در برابر حق و ایثار در راه بندگی و عید سعید غدیر خم،
روز تبلور عدالت و کمال رسالت است.
دهه امامت و ولایت، یادآور پیوند ناگسستنی «ایمان» با «عدالت» است. غدیر، تنها یک
رویداد تاریخی نیست، بلکه فریادی است برای تحقق عدالت اجتماعی و حمایت از
حقوق محرومان و زحمتکشان.
امروز که جامعه کارگری و بازنشستگان عزیز با دشواری های معیشتی و فشارهای
اقتصادی مواجه هستند، این ایام فرخنده فرصتی است تا با یادآوری سیره علوی، بر
اهمیت «کرامت انسانی» و «تأمین امنیت معیشتی» تأکید کنیم. آری؛ از ایثار قربان تا
عدالت غدیر؛ می تواند تجلی گاه کرامت انسانی و عدالت علوی در سفره کارگران و
بازنشستگان باشد.
چرخ های توسعه این سرزمین با دستان توانمند کارگران می چرخد و آرامش امروز ما
مرهون سالها تلاش بازنشستگان است. امیدواریم در سایه آموزه های غدیر، مسئولان
امر با نگاهی عدالت محور، گام های عملی برای بهبود شرایط معیشتی و رفع دغدغه های
درمانی جامعه کارگری شاغل و بازنشسته کشور بردارند.
در این ایام خجسته، دست یکایک شما را به پاس سالها غیرت و ایستادگی به گرمی
می فشاریم و امیدواریم با همبستگی و همدلی، شاهد روزهای بهتری برای جامعه
پر تلاش کارگری و بازنشستگان عزیز باشیم.
عید قربان، عید ایثار و غدیر، عید عدالت بر جامعه کارگری و بازنشستگی کشور مبارک
باد. امید است در این دهه پرفضیلت، سایه عدالت و برکت بر سفره های شما گسترده تر
شده و روحیه صبر و مطالبه گری که از ویژگی های بارز جامعه بزرگ کارگری است،
همواره مایه سربلندی و موفقیت تان باشد.

خوشان افتادند. همه در کنار رودخانه جمع شدند تا شاید بتوانند بهشون
کمک رسانند ... ولی وقتی دیدند شدت آب آنقدر زیاد است، که نمی شه
براشون کاری کرد ... به آن دو نفر گفتند که امکان نجاتتون وجود نداره!
و شما به زودی خواهید مرد!!! در ابتدا آن دو مرد این حرف ها را نادیده
گرفتند و کوشیدند که از آب بیرون بیایند اما همه دائماً به آنها می گفتند که
تلاش تون بی فایده هست و شما خواهید مرد!!!
پس از مدتی یکی از دو نفر دست از تلاش برداشت و جریان آب او را با

خود برد. اما شخص دیگر همچنان با حداکثر توانش برای بیرون آمدن
از آب تلاش می کرد
بیرونی ها همچنان فریاد می زدند که تلاشت بی فایده هست، اما او با
توان بیشتری تلاش می کرد و بالاخره از رودخانه خوشان خارج شد.
وقتی که از آب بیرون آمد، معلوم شد که مرد ناشناوست.
در واقع او تمام این مدت فکر می کرده که دیگران او را تشویق می کنند!
ناشناوش باش وقتی همه از محال بودن آرزوهایت می گویند.

خونید خیلی قشنگه!!!

امیر المومنین علی علیه السلام میفرمایند:
نامیدی، صاحب خود را می کشد
ناشناوش باش وقتیکه دیگران از محال بودن آرزوهایت می گویند
به داستان زیبا و آموزنده
چند نفر از پلی عبور می کردند که ناگهان دو نفر به داخل رودخانه

دولت‌ها کمکی به تأمین اجتماعی نکردند کارگران و بازنشستگان شهروند درجه چندم نیستند

قطع شریان‌های واردات و صادرات، در کنار عدم نقش‌آفرینی مؤثر کشورهای همسایه، این بن‌بست را کامل کرده است. هرکدام از این بحران‌های سیاهه بلندبالای فوق که به‌طور متواتر، پربسامد و سریع در این مدت کوتاه بر پیکر سازمان تأمین اجتماعی وارد شده است، لطمات زیادی به چرخه منابع و مصارف و تنظیم ورودی‌ها و خروجی‌های آن زده و می‌زند. در این وانفاس متاسفانه دولت و بدنه آن نیز هیچ درک و فهم درستی از شرایط مبتلا به سازمان نداشته و همه توقعات و انتظارات فعالان اقتصادی را به سمت سازمان تأمین اجتماعی سوق می‌دهند. «حکایت سازمان تأمین اجتماعی شده است حکایت تیمی که قرار است در زمین فوتبال با قواعد والیبال، بازی هندبال انجام دهد و داور مسابقه هم داور بسکتبال است!»

ادامه در صفحه سه

مجازی و نیز مشاغلی که محصولات خود را در بستر اینترنت عرضه می‌کردند، منجر شد. در این میان، مصوبه مزدی پایان سال و تأخیر در ابلاغ آن، در کنار اثر مخرب دو تبصره الحاقی بعد از عید، ضربه نهایی را به تعادل منابع و مصارف سازمان زد. این تبصره‌ها موجب شد که افزایش‌ها در بخش مصارف سازمان قطعی باشد، اما در مقابل، کارفرمایان در شرکت‌های وابسته به دولت و با استفاده از پیمان‌های دسته‌جمعی، بتوانند منابع کمتری را به سازمان تأمین اجتماعی بپردازند. شرایط کلی اقتصاد نیز در وضعیت عدم قطعیت، عدم ثبات و بلا تکلیفی قرار دارد. مشخص نیست که ما هم‌اکنون در شرایط پسا جنگ قرار داریم یا بینا جنگ؛ و این معضل، اثرات مخربی بر اقتصاد و فعالیت نگاه‌ها گذاشته است. محاصره اقتصادی دریایی و

در مرتبه نخست، شاهد تلاش‌های جدی دولت و مجلس برای کاهش کمک دولت به کارگران و کارفرمایان در مشاغل مشمول کمک دولت بودیم؛ اقدامی که مستقیماً منجر به ریزش بیمه‌شده یا ریزش مبنای بیمه‌پردازی گردید. این در حالی است که طبق بند پنجم سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی، دولت موظف به اتخاذ رویکردی فعال‌تر در حمایت از این اقشار بود، اما در عمل، خلاف آن محقق شد. موضوع بعدی که ضربه سهمگینی به پیکره سازمان وارد آورد، حذف نرخ ارز ترجیحی بود. این تصمیم اثرات وسیعی بر کارکردها و تعادل ورودی و خروجی غالب بنگاه‌های تولیدی گذاشت. طبق بند نهم سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی، هر طرح کلان و ملی در این سطح، باید واجد پیوست تأمین اجتماعی می‌بود تا تبعات آن پیش‌بینی و جبران شود، اما این ضرورت حیاتی کاملاً نادیده گرفته شد.

در کنار این موارد، وقوع جنگ دوازده‌روزه و خسارات ناشی از آن، فشار مضاعفی را ایجاد کرد که باعث افزایش مصارف درمانی و حمایتی و در مقابل، کاهش منابع سازمان تأمین اجتماعی گردید. متأسفانه به سبب عدم مدیریت صحیح بحران، بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی از این شرایط به عنوان مستمسکی برای عدم پرداخت حقیقه استفاده کردند که عملاً سازمان را در مضیقه شدید قرار داد. یکی دیگر از چالش‌های جدی، مسئله قطعی اینترنت بود که به سبب اختلال در کسب‌وکارهای فعال و یا مرتبط با فضای مجازی، موجی از تعدیل نیرو را به راه انداخت. این اتفاق نه تنها درآمد سازمان از محل حق بیمه‌ها را کاهش داد، بلکه بر بار مصارف صندوق بیمه بیکاری نیز افزود.

همچنین تغییر سهمیه‌بندی بنزین و گازوئیل، پارامتر دیگری بود که اثرات وسیعی بر کارکردها و تعادل ورودی و خروجی برخی بنگاه‌ها و کسب‌وکارها گذاشت و هزینه‌های عملیاتی را به شکلی پیش‌بینی‌ناپذیر افزایش داد.

در ادامه این زنجیره بحران، اتفاقات دی‌ماه ۱۴۰۴ و اختلال ایجاد شده در برخی فعالیت‌ها و کسب‌وکارها، محیط کسب‌وکار را بیش از پیش ناامن کرد. متعاقب آن، قطعی مجدد اینترنت باز هم به سبب اختلال در مشاغل مجازی، منجر به دور جدیدی از تعدیل نیرو گردید که مستقیماً تراز منابع سازمان را منفی‌تر کرد. از سوی دیگر، وقوع جنگ چهل‌روزه و اثرات مخرب آن بر تعادل منابع و مصارف، یکی از سنگین‌ترین شوک‌ها بود. به سبب عدم مدیریت صحیح بحران، بسیاری از بنگاه‌ها برای عدم پرداخت حق بیمه، شرایط جنگی را مستمسک قرار داده و می‌دهند؛ این در حالی است که در بسیاری از مناطق اصلاً اتفاقی نیفتاده است. حتی در این میان، برخی از فعالیت‌ها و بنگاه‌ها در اثر جنگ به سودهای کلان دست یافته‌اند. همچنین به دلیل عدم مدیریت صحیح بازار توسط دولت، بسیاری از بنگاه‌ها بیش از میزان گرانی واقعی، هزینه‌ها را به مصرف‌کننده منتقل کرده و بعضاً با احتکار کالا به درآمدهای غیرمتعارف رسیدند، اما سهم سازمان از این چرخش مالی نادیده ماند.

در انتهای سال نیز با موج وسیع تعدیل نیروی انسانی مواجه شدیم. بسیاری از کارفرمایان که به واسطه بحران‌های سال ۱۴۰۴ متراصد تعدیل نیرو بودند، از فرصت اتمام قراردادهای پایان سال بهره گرفته و بار عظیمی از بیکاران را به سمت صندوق‌های حمایتی گسیل داشتند.

تداوم قطعی طولانی‌مدت اینترنت نیز مزید بر علت شد. عدم وجود دورنمای مثبت در این زمینه و اظهارنظر برخی افراد در خصوص دائمی شدن این محدودیت‌ها، به تعدیل شدید نیرو در کسب‌وکارهای



دکتر علی حیدری کارشناس رفاه و تأمین اجتماعی و مشاور عالی مدیر عامل سازمان تأمین اجتماعی نگاه دولتی به سازمان تأمین اجتماعی به مثابه «حیات خلوت»، باعث به اتمام رسیدن تاب‌آوری این سازمان در برابر شوک‌های پیاپی جنگی و اقتصادی شده است. سازمان تأمین اجتماعی در خط مقدم آسیب‌های ناشی از تنش‌های ملی و منطقه‌ای قرار گرفته است. وقتی دولت با حذف ارز ترجیحی، شوک تورمی به معیشت مزدبگیران وارد می‌کند یا با قطعی مکرر اینترنت، شریان‌های حیاتی کسب‌وکارهای نوپا را می‌برد، اولین پس‌لرزه این زلزله‌های اقتصادی در ترازنامه تأمین اجتماعی ظاهر می‌شود. سازمان امروز در وضعیتی است که حتی توان تحمل یک «تکانه کوچک» دیگر را ندارد، چه رسد به بحران‌های بزرگی نظیر جنگ یا محاصره اقتصادی. سکوت در برابر حجم‌های وارده به منابع کارگران، خیانت به نسل‌های آینده است. او تأکید می‌کند که دولت باید از نقش «برداشت‌کننده بی حساب» خارج شده و به نقش «تضمین‌گر ثبات» بازگردد. اگر «صدای زنگ خطر» همین امروز شنیده نشود، فردا برای ترمیم پیوند میان کارگر، کارفرما و سازمان، بسیار دیر خواهد بود.

تأمین اجتماعی در شرایط جنگ، بینا جنگ و پسا جنگ

در باب تأثیر و تأثرات بحران‌ها بر سازمان تأمین اجتماعی و اثرسنجی و تقویم تبعات جنگ بر تعادل منابع و مصارف و تنظیم ورودی‌ها و خروجی‌های سازمان تأمین اجتماعی سخن بسیار است. به‌ویژه آنکه شوربخانه سازمان تأمین اجتماعی قبل از بروز بحران‌های یک‌ساله اخیر نیز به سبب مداخلات غیراصولی دولت در ارکان عالی آن، سرریزهای حمایتی تحمیلی مغایر با اصول و قواعد بیمه‌ای (و بدون تأمین و تضمین بار مالی تعهدی و بین‌نسلی)، واردات بی‌رویه و قاچاق افسارگسیخته، انبوه نیروی کار غیرمجاز خارجی، واگذاری‌ها و خصوصی‌سازی‌های غیراصولی، تحمیل بازنشستگی‌های زودرس، تحریم‌ها و حصر اقتصادی مدید، نرخ تورم مزمن و سنواتی طولانی و کاهش ارزش پول ملی، عدم پرداخت نقدی و به‌موقع حق بیمه‌های جاری سهم‌الشرکه دولت و عدم بازپرداخت بدهی‌های معوقه دولت و... دچار ناترازی و عدم تعادل مالی تعهدی و جاری و کسری نقدینگی گردیده بود و در حالتی حاد و شکننده قرار داشت. شرايطی که از یک طرف به توصیه «جامی» نمی‌توان بازگفت:

«پیش ارباب خرد شرح مکن مشکل عشق / سخن خاص مگو، محفل عام است اینجا»
و بایستی به توصیه مولانا عمل کرد که فرمود:
«اگر از عام ترسی که سخن فاش کنی / سخن خاص، نهان در سخن عام بگو»
در چنین شرایطی و طی یک‌سال اخیر، بحران‌ها و شوک‌های جدید و مضاعفی به سازمان وارد گردید

حسن صادقی رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری و معاون دبیر کل خانه کارگر



به نام آزادسازی و توسعه بخش خصوصی از عدالت اجتماعی فاصله زیادی گرفته ایم و شکاف طبقاتی ایجاد شده است

بر سیاست‌های اقتصادی کشور انتقادهای جدی وارد است به نام آزادسازی و توسعه بخش خصوصی، از دیدگاه‌های امام خمینی (ره) در حوزه عدالت اجتماعی و حمایت از مستضعفان فاصله گرفته شده و همین مسئله به گسترش شکاف طبقاتی منجر شده است. حضرت امام (ره) در گفتمان خود هم جامعه داخل را به زیبایی رصد می‌کرد و هم روابط بین‌الملل را با یک نگاه ژرفی برای داشتن ارتباطی منطبق با منافع ملی، عزت و افتخار ایران رقم می‌زد. ایشان چند سالی در ایران بود و مابقی را در خارج از کشور به سر برد، اما در همان سال‌هایی که در ایران بود الگوی خوبی برای همه بود که باید به آن متمسک و متوسل می‌شدیم و آن را به عنوان زیر ساختار اندیشه‌های فکری خود قرار می‌دادیم.

متأسفانه روند اداره کشور به گونه‌ای رقم خورد که با وجود آنکه بر دیدگاه‌های امام (ره) تأکید داشتیم ولی در اضلاع مثلث اداره کشور دچار نوعی آشفتگی فکری شدیم از جمله بحث حمایت از فقرا و محرومین و اینکه مستضعفین چه کسانی هستند. حتی جای مستضعفان هم عوض شد و این مسأله باعث شد در حوزه اقتصاد دچار ریل‌گذاری اشتباه شویم و به سمت آزادسازی و خصوصی‌سازی و گرفتن اختیار ساختار حوزه اقتصاد مادر که دولت هست، برویم.

همین امر باعث شد به نام آزادسازی و به نام بخش خصوصی و اصل ۴۴ قانون اساسی از دیدگاه‌های امام (ره) در حوزه دفاع از مستضعفین و اقتصاد را در خدمت محرومین قرار دادن فاصله بگیریم و در مسیر تاریخ و در طول اجرا هم نتیجه‌اش را دیدیم که دهک‌های متوسط جامعه به دهک‌های پایین‌تر سقوط کردند و جمعی از جمعیت کشور در تله فقر گرفتار شدند که معتقد همه این‌ها حاصل فاصله گرفتن از اندیشه‌های امام (ره) در حوزه اقتصاد بود. ایشان وقتی پای مهندس موسوی ایستاد و در مقابل مخالفتش یک تنه از تفکر اقتصادی وی دفاع کرد، هدفش این بود که این اندیشه بتواند ضعفا و فقرا را از خط فقر به خط میانه برساند و لذا اگر ایشان بود تغییر جهت را دستور می‌داد و چیزی به نام حذف یارانه‌ها یا خصوصی‌سازی را ابطال اعلام و حوزه اقتصاد ملی را که یک اقتصاد متمرکز دولتی بود مجدداً احیا می‌کرد. در زمان امام (ره) با وجود اینکه در جنگ تمام عیاری بودیم که نزدیک ۱۵۰۰ کیلومتر درگیری نظامی داشتیم و هر روز هم در حوزه جنگ هزینه می‌کردیم، اما کشور در حال پیشرفت بود و کارخانه‌ها و شرکت‌هایی مثل آذراب اراک زده شد. زیرساخت‌های اقتصادی ما روز به روز در حال توسعه و برنامه ریزی مدرن بود و لذا اگر امروز امام بود به اقتصاد متمرکز و دولت محور برمی‌گشت یا اجرای دقیق اصل ۴۴ و ۳۳ مبتنی بر اقتصاد سه ضلعی دولتی، خصوصی و تعاونی را در دستور کار قرار می‌داد.

این سوالات مطرح است که در زمان حضرت امام خمینی سهم تعاون از کیک اقتصاد چقدر بود و الان چقدر است؟ چرا تعاون به این وضعیت دچار شد و چه سیاستی باعث شد که سهم حوزه تعاون پنج درصد از اقتصاد کشور است، در حالی که باید ۳۳.۳ درصد باشد. مهم‌ترین پیام اندیشه اقتصادی امام خمینی به سیاستگذاران اقتصادی امروز بازگشت به قانون اساسی می‌باشد سیاستگذاران باید به قانون اساسی برگردند و هر سه ضلع اقتصاد را با هم ببینند و دچار خودشیفتگی و واگذاری به بخش خصوصی نشوند. امروز کدام بخش خصوصی در ایران ترقی کرده آن را نشان بدهند تا الگویی برای سایر باشد. اگر منظور از بخش خصوصی زیرمجموعه‌های حاکمیتی باشد، بخش خصوصی نیست.

به سازمان، با توجه به نقش کارگران در حفظ ثبات اقتصادی، می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد.

در حوزه ابزارهای مالی، بهادارسازی و بازارپذیرسازی مطالبات سازمان از دولت از طریق انتشار اوراق با تضمین اصل و سود توسط دولت، راهکاری مدرن برای نقد کردن بدهی‌های معوقه است.

تبدیل صندوق بیمه بیکاری فعلی به یک «صندوق بیمه بیکاری ملی و فراگیر» با تأمین منابع از سوی دولت برای حمایت از کلیه اخراجی‌ها و کارجویان، فشار را از روی منابع داخلی سازمان برمی‌دارد.

در نهایت، ایجاد زمینه برخورداری عادلانه سازمان از منابع عمومی سلامت (نظیر سهم مالیات بر ارزش افزوده و بیمه شخص ثالث) و همچنین تخصیص عادلانه منابع حاصل از متناسب‌سازی مستمری‌ها، از حقوق تزییع شده بیمه‌شدگان تأمین اجتماعی است که باید بازگردانده شود. اجباری ساختن پوشش بیمه پایه برای کلیه افراد فاقد بیمه نیز می‌تواند ضریب نفوذ بیمه‌ای را افزایش داده و به پایداری صندوق کمک کند.

و نکته آخر اینکه، دولت‌ها در ادوار گذشته و در بحران‌های جنگ دفاع مقدس، بازسازی، وقوع سیل و زلزله، تحریم‌ها و کرونا، هیچ کمکی به سازمان تأمین اجتماعی نکردند که هیچ، بلکه از جیب سازمان هم برداشته‌اند. در همه این بحران‌ها با بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران به عنوان شهروندان درجه چندم برخورد شده است؛ به طوری که حتی یک ریال از اعتبارات مدیریت بحران نصیب افراد تحت پوشش این سازمان نشد. سازمان در گذشته با اتکا به فزونی منابع توانست از طوفان‌ها عبور کند، ولی این بار وضعیت متفاوت است. اثرات بحران‌های اخیر به حدی رسیده که از توان سازمان خارج است. متولیان امور باید با درک صحیح از این واقعیت، رویه پنجاه‌ساله خود را تغییر دهند تا به قول مرحوم قیصر امین‌پور «خیلی زود دیر نشود».

استفاده از منابع حاصل از مولدسازی اموال مازاد دولت و همچنین اهرمی‌سازی دارایی‌ها و اعطای امتیازات و انحصارات دولتی به سازمان، از دیگر مسیرهای جبران ناترازی است. در همین راستا، افزایش قیمت خوراک پتروشیمی‌ها و بالا بردن بهره مالکانه و حقوق دولتی در بهره‌برداری از معادن می‌تواند منابع قابل توجهی را آزاد کند.

یک اقدام ساختاری مهم، واگذاری شرکت‌های متعلق به صندوق‌های بازنشستگی کشوری، لشکری، فولاد و هما (که غالباً با بودجه مستقیم دولت اداره می‌شوند) به سازمان تأمین اجتماعی است تا از این طریق بخشی از مطالبات سازمان تسویه شود.

طراحی و استقرار «نظام چندلایه تأمین اجتماعی» نیز یک ضرورت غیرقابل انکار است. در این الگو، لایه‌های حمایتی و سطح پایه بیمه‌ای باید بر رویکرد مالیات‌محور استوار باشند و سطوح مکمل بر رویکرد حق‌بیمه‌محور؛ با این روش، بسیاری از سرریزهای حمایتی تحمیلی به سازمان قابل حذف خواهد بود.

در شرایط بحرانی فعلی، انتشار «اوراق قرضه جنگی» یا استقراض ملی، استقراض خارجی از متحدان استراتژیک، و همچنین پیگیری جدی برای اخذ غرامت‌های جنگی، می‌تواند به عنوان مسکن‌های فوری عمل کند.

علاوه بر این، پیشنهاد می‌شود منابعی از مجموعه‌های حاکمیتی و نهادهایی نظیر بنیاد مستضعفان، ستاد اجرایی فرمان امام و آستان‌های مقدسه برای کمک به کارگران و کارفرمایان جذب شود؛ این مدل مشابه تجربه «وام از کلیسا» در کشورهای اروپایی پس از جنگ است.

تأسیس «صندوق تاب‌آوری اجتماعی ملی» و اخذ مالیات از فعالیت شرکت‌های خارجی فعال در کشور (مشابه الگوی روسیه در مدیریت بحران جنگ اوکراین) و حتی در صورت ضرورت، وضع مالیات جنگی، از دیگر گزینه‌های روی میز است.

همچنین اختصاص بخشی از درآمدهای حاصل از مدیریت تنگه هر مز

به نظر می‌رسد که باید متولیان امر درک و فهم درستی از شرایط سازمان تأمین اجتماعی داشته باشند و در حداقل شرایط، اگر باری از دوش سازمان تأمین اجتماعی بر نمی‌دارند، حداقل بار مضاعفی را به سازمان تحمیل نکنند و در مسیر فعالیت‌های آن سنگ‌اندازی نمایند. بر همین اساس، اتخاذ راهکارهای زیر برای تأمین فوری منابع و حمایت از بقای سازمان ضروری به نظر می‌رسد:

نخستین و بدیهی‌ترین گام، لحاظ اعتبارات علی‌حده در بودجه سنواتی و درج دقیق اعتبارات مورد نیاز در بودجه کل کشور است تا این مبالغ همانند کمکی که به بقیه دستگاه‌های اجرایی و حتی بخش خصوصی می‌شود، در اختیار سازمان قرار گیرد.

در مرتبه بعدی، ضرورت دارد سهم صندوق توسعه ملی از محل درآمد نفت کاهش یافته و در عوض، سهم ثابتی از عواید حاصل از فروش نفت و فرآورده‌های آن به سازمان تأمین اجتماعی اختصاص یابد. این اقدام بابت جبران خسارات وارده و همچنین تأمین حق‌بیمه‌های جاری و معوقه تعهدشده دولت، یک ضرورت ملی است.

همچنین دولت می‌تواند با استفاده از سازوکار اضافه برداشت از صندوق توسعه ملی (مشابه اقدامی که در زمان شیوع کرونا و یا جنگ اخیر انجام شد)، بخشی از منابع مالی مورد نیاز سازمان را تأمین کند.

راهکار دیگر، افزایش نرخ مالیات بر ارزش افزوده و تخصیص بخشی از آن به حوزه رفاه است. علاوه بر این، وضع «مالیات اجتماعی» بر فعالیت‌های آسیب‌رسان به تولید و اشتغال ملی، از جمله کالاهای لوکس و واردات غیرضروری، می‌تواند به عنوان یک منبع درآمدی پایدار عمل کند. پیشنهاد می‌شود مالیات اجتماعی بر کلیه تراکنش‌های بانکی، مخابراتی، اینترنتی و حوزه‌های «فین‌تک» نیز وضع شود؛ به گونه‌ای که رقمی ثابت یا درصدی نزولی از هر تراکنش به حساب تأمین اجتماعی واریز گردد.

دست‌اندازی به حقوق بیمه‌شدگان تأمین اجتماعی ممنوع

هرگونه دست‌اندازی به منابع و دارایی‌های سازمان تأمین اجتماعی، تضییع حقوق میلیون‌ها کارگر، بازنشسته و بیمه‌شده محسوب می‌شود. منابع سازمان تأمین اجتماعی حاصل سال‌ها پرداخت حق بیمه از سوی کارگران و کارفرمایان است و باید صرف ارائه خدمات بیمه‌ای، درمانی و پرداخت مستمری بازنشستگان شود.



استفاده از این منابع در امور غیرمرتبط، می‌تواند پایداری صندوق و امنیت معیشتی بیمه‌شدگان را با چالش مواجه کند.

نمایندگان جامعه کارگری خواستار اجرای دقیق قوانین و حفظ استقلال مالی سازمان تأمین اجتماعی شدند و تأکید کردند که حقوق بیمه‌شدگان امانتی در اختیار مسئولان است.

تقویت منابع مالی، پرداخت بدهی‌های انباشته به سازمان و جلوگیری از هرگونه برداشت غیرقانونی، مهم‌ترین راهکار برای حفظ حقوق بیمه‌شدگان و تضمین خدمات پایدار به بازنشستگان و کارگران کشور است

دولت از کارگران بیکار حمایت کند/ مزد کافی موجب دلگرمی ست

حمایت دولت از صنایع در جنگ رمضان و پرداخت بیمه بیکاری کارگران که در اثر جنگ فعلاً بی‌کار شدند و کارگاه‌ها و کارخانه‌های آن‌ها در حال بازسازی است، ضروری است.

کارگران همدوش دیگران در صحنه و دفاع از ایران در کنار نیروهای مسلح حضور داشتند و در جنگ رمضان، اقتصاد و تولید اثر گذار بودند و در بخش‌های صنعت و خدماتی و کشاورزی از هیچ کوششی دریغ نکردند.

تبعات جریان تعدیل نیروهای کار باعث خالی شدن صندوق بیمه بیکاری تأمین اجتماعی خواهد شد. دولت باید با مدیریت به موقع از این موضوع جلوگیری کند و با ارائه خدمات مانند پرداخت وام با سود کم، از این مرحله با سربلندی عبور کند و اجازه ندهد با کمبود مواد اولیه در شرایط جنگی روبرو شویم. حمایت از کارگران و بازنشستگان و تأمین مزد کافی، باعث دلگرمی آنان در شرایط جنگی خواهد شد.

محمد علی ترکشوند (رئیس هیئت مدیره کانون کارگران بازنشسته شهرستان ری)

دار المجانین!

یه کتابی هست به اسم «فقر احق می‌کنه» (اثر الدار سفیر و سند هیللی مولا ییتین).

منظورش اصلاً تو هین نیست. به شکل کلی می‌گه؛

«وقتی آدم مدام تو کمبود زندگی می‌کنه، ذهنش دیگه فضای خالی برای پردازش نداره. و این درسته!

فقر فقط این نیست که پول نباشه. فقر یعنی هر روز با اضطراب بیدار شی، مدام حساب کنی چی رو نداشته باشی، کدوم نیاز رو عقب بندازی، کجا کوله بیای و...»

این وضعیت کم‌کم ذهن رو فرسوده می‌کنه. آدم هنوز باهوشه، اما توان فکر کردن درست و بلندمدت رو از دست می‌ده. تصمیم‌ها کوتاه‌مدت می‌شن، واکنش‌ها هیجانی می‌شن، اشتباه‌ها بیشتر می‌شن، نه از سر نادانی، بلکه از سر خستگی ذهن. حالا همین رو تصور بفرمایید نه برای یک نفر، بلکه برای یک جامعه.

وقتی یه جامعه فقیره، یعنی اکثریت مردمش دائم تو وضعیت بقا هستن. همه ذهن‌ها پره، همه عصبی‌ان، همه عجله دارن. دیگه حوصله شنیدن حرف پیچیده، بحث طولانی، فکر جمعی باقی نمی‌مونه. X

جامعه شروع می‌کنه به تصمیم‌های عجولانه، قضاوت‌های سریع، انتخاب‌های ساده‌پسند. اینطوری میشه که شعار جواب می‌ده، اما توضیح نه. وعده فوری جذابه، برنامه بلندمدت اما خسته‌کننده است. X

اینجاست که جامعه کم‌کم شبیه یه آدم خسته رفتار می‌کنه. آینده رو نمی‌بینه، فقط می‌خواد از امروز رد بشه. این احق شدن نیست، فرسوده شدن.

فقر، قبل از اینکه جامعه رو بی‌اخلاق یا بی‌فرهنگ کنه، عقل جمعی رو کوتاه‌برد می‌کنه. X

نتیجه‌اش جامعه‌ایه که واکنش هیجانی نشون میده به جای فکر کردن، دعوا می‌کنه به جای گفت‌وگو، و بقا رو با عقلانیت اشتباه می‌گیره.

کتاب دقیقاً همین رو می‌گه:

«فقر ذهن رو اشغال می‌کنه، و وقتی ذهن یک جامعه اشغال شد، لازم نیست نادان باشه، همین که نمونه درست فکر کنه، کافیه...»

گردآوری: سعید پویا

چک لیست همراه با سلامت یک نیاز واقعی برای خانواده‌ها



شاید به همین دلیل است که چک لیست «همراه سلامت» فقط یک ابزار ثبت اطلاعات نیست؛ نوعی احترام عملی به سال‌های طلایی عمر است. احترامی که هم به نیاز درمانی توجه می‌کند و هم به آرامش روانی خانواده‌ها. وقتی خانواده بدانند همه چیز در یک مسیر روشن و مشخص

ثبت شده، بخشی از فشار ذهنی مراقبت کاهش پیدا می‌کند. این همان چیزی است که بسیاری از ما امروز به آن نیاز داریم: راه‌حلی ساده برای مسئله‌ای پیچیده. چک لیست «همراه سلامت» با چنین ساختاری، برای نخستین بار در کشور طراحی و چاپ شده و می‌کوشد مراقبت را از وضعیت «یادم رفت» به مرحله «ثبت شده و در دسترس است» برساند. گاهی یک تغییر کوچک، می‌تواند آرامش بزرگی به همراه داشته باشد.

«آرامش، از جایی آغاز می‌شود که «یادم رفت» به «ثبت شده است» تبدیل شود.»

فرخ هاشمی: پژوهشگر و فعال بازنشستگی

پراکنده‌گی، در یک مرجع واحد ثبت شود، هم خانواده آرامش بیشتری دارد، هم پزشک با دقت بیشتری تصمیم می‌گیرد، و هم خود فرد احساس تسلط بیشتری بر وضعیت زندگی و سلامت خود خواهد داشت.

این چک لیست در ظاهر یک ابزار نوشتاری است، اما در عمل چیزی فراتر از یک دفترچه ساده به شمار می‌آید. «همراه سلامت» تلاش می‌کند حلقه‌های جدا از هم را به هم وصل کند: سالمند، خانواده، پزشک و روند مراقبت. در بخش‌های مختلف آن می‌توان اطلاعات دارویی، سوابق بیماری، جراحی‌ها، واکسیناسیون، فشار خون، قند خون، نتایج آزمایش‌ها و توصیه‌های پزشک را ثبت کرد. همین نظم ظاهراً ساده، در عمل می‌تواند از بسیاری دوباره‌کاری‌ها جلوگیری کند؛ از خرید تکراری دارو گرفته تا تجویز مجدد برخی آزمایش‌ها یا مراجعات غیرضروری.

اما ارزش این چک لیست فقط در مدیریت درمان خلاصه نمی‌شود. یکی از نکات قابل توجه آن این است که زندگی سالمند را فقط از دریچه بیماری نمی‌بیند. در کنار صفحات مربوط به سلامت، فضاهایی برای ثبت امور روزمره، شماره‌های ضروری، برنامه‌ها، یادداشت‌ها پیش‌بینی شده است. این نگاه، یک پیام مهم در خود دارد: سالمند فقط مجموعه‌ای از پرونده‌های پزشکی نیست؛ او انسانی با تجربه، خاطره، روابط و شأن اجتماعی است.

توجه داشته باشیم «آرامش، از جایی آغاز می‌شود که «یادم رفت» به «ثبت شده است» تبدیل شود.»

از اضطراب تا آرامش؛ چرا چک لیست «همراه سلامت» می‌تواند یک نیاز واقعی برای خانواده‌ها باشد؟

بعضی ایده‌ها از دل بازار متولد نمی‌شوند؛ از دل زندگی بیرون می‌آیند. از دل نگرانی. از دل همان لحظه‌هایی که آدم در مطب پزشک نشسته و ناگهان با چند سؤال ساده اما تعیین‌کننده روبرو می‌شود: «فشار خون این چند روزشان چطور بوده؟»، «چه داروهایی مصرف می‌کنند؟»، «آخرین آزمایش را کی انجام داده‌اند؟»

و درست در همان لحظه، ذهن خالی می‌شود. نه به این دلیل که خانواده بی‌توجه بوده، بلکه چون اطلاعات مهم، پراکنده و نامنظم‌اند. نسخه‌ای در کشو مانده، جواب آزمایشی در پوشه‌ای دیگر است، اسم چند دارو در گوشه یادداشت شده و چند مورد هم فقط در حافظه مانده است. نتیجه؟ اضطراب، مکث، و گاهی تصمیم‌گیری درمانی با اطلاعات ناقص.

چک لیست «همراه سلامت» از دل همین نیاز واقعی شکل گرفته است؛ از یک دغدغه شخصی که به یک راه‌حل کاربردی تبدیل شده. ایده اصلی ساده است اما بسیار مهم: اگر اطلاعات سلامت یک سالمند یا بازنشسته، به‌جای

محمد اسدی رئیس کانون عالی بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی در یک محیط دوستانه

وصیمی باسید مجتبی قریشیان سر دبیر نشریه به گفتگو نشست:

تا اینجای کار سال ۱۴۰۵ برای ما سال بسیار پرچالشی بوده است



اما الان که یازدهم خردادماه است ما یک مسئله باقی مانده بنام مزایای جانبی داریم که تاکنون در جلسات برگزار شده در مورد آن به جمع بندی نرسیده ایم و موکول به تصمیم گیری در بعد شده است، یعنی ضمن حفظ وضعیت کنونی در مورد افزایش آن بعداً تصمیم گیری می شود. الان هم منتظر هستیم تا احکام صادر شود و ببینیم این تصمیم گیری ها را انجام دهیم.

ما دغدغه های به حق بازنشستگان عزیز را در خصوص افزایش مزایای جانبی بخوبی درک می کنیم:

صد البته دغدغه های به حق بازنشسته ها را در این زمینه که مزایا هم باید افزایش داشته باشد و در این خصوص نباید بین بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی و سایر بازنشستگان تبعیض وجود داشته باشد کاملاً درک می کنیم، بازنشستگان ما به حق و به شدت در این خصوص فشار می آورند و موضوع را پیگیری و دنبال می کنند که مزایای جانبی حق ماست، واقعا هم این مزایا حق بازنشسته ها ی عزیز می باشد. بازنشسته های سازمان تامین اجتماعی ۳۵ سال شاید هم بیشتر مزایا را دریافت کرده اند، قطعاً باید طبق روال این مزایا افزایش خودش را داشته باشد.

امیدوارم اشکالاتی که بوجود آمده است هر چه سریعتر برطرف شود.

تبعیض بین بازنشسته ها به هیچ عنوان پذیرفتنی و جایز نیست، قطعاً نباید تبعیضی وجود داشته باشد: از طرفی هم سازمان تامین اجتماعی بازنشستگان

در رابطه با مسائل و مشکلات مربوطه به بازنشستگان استحضار دارید تا به امروز که یازدهم خردادماه می باشد ماه های بسیار پرچالشی را سپری کرده ایم، از اول افزایش حقوقهایی که باید صورت میگرفت، با درد سر مواجه شد طبق سنوات قبل هر ساله تلاش ما بر این بود که پس از مصوبه شورای عالی کار، حداقل کاری که باید انجام دهیم سعی کنیم مصوبه را حفظ کنیم. همه تا حدودی در جریان قرارداند که ابلاغ مصوبه با تاخیر بسیاری مواجه شد و این در دسر های زیادی را ایجاد کرد. پس از ابلاغ این مصوبه، ما بلافاصله با مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی و معاونینش جلساتی را برگزار کردیم، در اصل موضوع میزان افزایش حقوق ها و جهت اجرای متناسب سازی، اختلاف نظر های زیادی داشتیم که بعضی از آنها حل شده است و یکسری اختلاف نظرهایی هم باقی مانده که حل نشده و پابرجا و بلا تکلیف است.

در رابطه با افزایش حقوق و متناسب سازی با سازمان تامین اجتماعی به جمع بندی رسیدیم و امیدوارم که انشاء الله طی چند روز آینده احکام صادر شود:

بالاخره با توجه به برگزاری جلسات متعدد در رابطه با افزایش حقوق برابر با مصوبه شورای عالی کار به جمع بندی رسیدیم و صورتجلسه تنظیم کردیم، متناسب سازی هم برابر با مصوبه مجلس به جمع بندی رسیدیم و مقرر شد که تا ۱۵ خردادماه احکام صادر شود. امیدوارم که انشاء الله طی چند روز آینده احکام صادر شود، قرار بر این است و فرآیند مربوطه در حال طی شدن است.

تا این تاریخ یک مسئله باقی مانده داریم:

مسئولیت هر کس مشخص است، خروجی سازمان تامین اجتماعی درمان است و مستمري بازنشستگان: سازمان تامین اجتماعی با تمام امکاناتش نزدیک به ۷۸ هزار پرسنل دارد که همه تلاش می کنند تا امور بازنشستگان به درستی انجام شود یعنی خروجی سازمان تامین اجتماعی که درمان است و مستمري بازنشستگان بدرستی انجام شود و در این ۲ مورد رضایتمندی حاصل شود اگر در این خصوص رضایت جامعه هدف جلب نشود نمی توانیم ادعا کنیم که کارنامه قابل قبولی از خودش ارائه داده است، قطعاً باید تلاش کند که حداقل در بحث درمان و حقوق بازنشسته احساس کمبود و حقارت و ورشکستگی نکند و شرایطی را فراهم آورد که بازنشسته از یک زندگی معمولی بهره مند شود. تلاش ما هم دقیقاً بر همین مسئله است و امیدوارم که انشاء الله بتوانیم به یک نتیجه قابل قبول و مطلوب و دلخواهی برسیم.

بعنوان یک ایرانی بر این باورم که دست تک، تک بازنشسته ها را باید بوسید:

من بعنوان یک هموطن و یک ایرانی اعتقاد دارم که باید دست کلیه بازنشستگان را بوسید. اینها واقعا جماعت وقت شناس و موقعیت سنجی هستند که موقعیت ها را در نظر می گیرند و سمت و سوی درست را انتخاب می کنند. این جماعت فهیم ودانا، آلام و درد های خودش را در درونش می ریزد تا دشمن از آن سوء استفاده نکند، باور یفرماید که صلاح نیست که حق و حقوق اینها اداء نشود. عدم رعایت حق و حقوق این قشر مظلوم و محروم نه شرعی است نه قانونی نه منطقی است

به اعتقاد من بازنشسته ها می توانند ابر چالش آینده کشور باشند:

نباید به حق و حقوق این جماعت همیشه نجیب و سوسر به راه و ملاحظه گر بزرگوار و بزرگ منش بی احترامی شود باید حق و حقوق آنها بطور تمام و کمال اداء شود و حرمت آنها حفظ شود و آنها مورد تکریم و احترام واقع شوند قرآن هم میفرماید: ما به بنی آدم کرامت بخشیدیم باید کرامت و احترام این جماعت حفظ شود اینکه یک آدمی با ۸۰ سال سن و آوار شود که برای گرفتن حق و حقوقش دست و پا بزند به هیچ عنوان قابل قبول نیست و جداً نیاز است که تبعیض ها برطرف شود. که اگر غیر این اتفاق بیفتد می تواند یک ابر چالشی برای کشور ایجاد شود.

مختلفی دارد مثل بازنشسته های کارگری، بازنشسته های کارکنان دولت، بازنشسته های همکار قطعاً نباید تبعیضی میان اینها باشد، حتماً اگر پرداختی صورت می گیرد باید شامل همه بازنشسته ها شود. هیچ دلیلی وجود ندارد که فرقی بین بازنشسته ها قائل شوند سعه صدر بازنشستگان و اصرار و پیگیری هایی که ما داریم، این قضیه را بتوانیم به سرانجام نیکویی برسانیم.

مسئولین سازمان تامین اجتماعی بپذیرند که متولی جامعه بازنشسته هستند:

بازنشستگان مسیر پرداخت حق بیمه خود را بخوبی طی کرده اند و به وظیفه خودشان به نحو احسن در این خصوص عمل کرده اند. الان هم انتظار بجایی دارند که طبق قانون و بر اساس ضوابط حق و حقوق خود را تمام و کمال دریافت کنند و پس از عمری کار کردن زندگی آرامی داشته باشند.

انتظار داشتن یک زندگی آرام با این حقوقها و با توجه به تورم لجام گسیخته، یک انتظار بیجا و غیر معقولی است:

با این حقوقها و تورم موجود قطعاً نمی توان یک زندگی آرامی را برای کسی متصور شد. تورم به طرز وحشتناکی لجام گسیخته و جهش پیدا کرده و می کند. در برخی از اقلام مصرفی ما با ۲ برابر شدن قیمتها و حتی بیشتر مواجه هستیم، اگر ۶۰٪ هم به حقوقها اضافه کنیم باز هم با ۴۰٪ کسری مواجه می شویم و این یعنی کم شده قدرت خرید و کوچک شدن سفره بازنشستگان و حقوق بگیران. نمی شود این انتظار را باور داشت که بتوانیم با این وضعیت به زندگی مردم آرامش دهیم، قطعاً این شدنی نیست اولی باید سعی و تلاش کنیم که به وظیفه ی خودمان عمل کنیم و حداقل ها را که حق مسلم و قانونی بازنشستگان است برای آنها بگیریم.

اینکه سازمان تامین اجتماعی شرایط مساعدی ندارد و در وضعیت بدی قرار دارد به عملکرد بازنشستگان و کارگران بستگی ندارد و ربطی به آنها پیدا نمی کند:

نامساعد بودن شرایط سازمان تامین اجتماعی تابع یک شرایط پیچیده ی مدیریتی و عملکرد غلط بعضی از مدیران است که کارگران و بازنشستگان کوچکترین نقشی در ایجاد شرایط بد سازمان تامین اجتماعی نداشته و ندارند و ناخود آگاه دارند چوب تصمیمات غلط و ناصواب بعضی از مدیران نالایق را می خورند.

نوشته های نامرئی

نشر: x گاهنامه مدیر

اتومبیل جلویی آهسته می رفت و من مدام بوق می زدم، اما راه نمیداد. داشتم خونسردی ام را از دست می دادم که یهو چشمم به نوشته روی شیشه عقبش افتاد:

xراننده ناشناخت، لطفاً صبور باشید!

دیدن این نوشته همه چیز را در من تغییر داد! بلافاصله آرام گرفتم، سرعتم را کم کردم و چند دقیقه با تاخیر به خانه رسیدم اما مشکلی نبود.

ناگهان با خودم زمزمه کردم: اگر آن نوشته پشت شیشه نبود، آیا من صبوری به خرج میدادم؟

xراستی چرا برای بردباری در برابر مردم به یک نوشته نیاز داریم؟

اگر مردم، نوشته هایی به پیشانی بچسبانند، با آنها صبورتر و مهربانتر خواهیم بود؟ نوشته هایی همچون:



- کارم را از دست داده ام!
 - در حال مبارزه با سرطان هستم!
 - در مراحل طلاق، گیر افتاده ام!
 - عزیزی را از دست داده ام!
 - احساس بی ارزشی و حقارت می کنم!
 - در شرایط بد مالی و ورشکستگی قرار دارم!
 - بعد از سالها درس خواندن، هنوز بیکارم!
 - مریضی در خانه دارم!
- و صداها نوشته دیگر شبیه اینها همه در گیر مشکلاتی هستند که ما از آن چیزی نمی دانیم.
- xبیباید نوشته های نامرئی همدیگر را درک کرده و با مهربانی به یکدیگر احترام بگذاریم چون همه چیز را نمی شود فریاد زد.

گپ و گفت دوستانه علی دهقان کیا رئیس کانون بازنشستگان تامین اجتماعی استان تهران با سید مجتبی قریشیان سردبیر نشریه

رعایت و اجرای دقیق و بی کم و کاست قانون اولین و مهمترین درخواست ما از مسئولین محترم، سلیقه ای عمل نکنیم

باشد احکام بر این اساس صادر شود.

عدم افزایش مزایا مشکلی است که ما با آن دست و پنجه نرم میکنیم:

مشکلی که ما الان با آن مواجه هستیم این است که با توجه به شرایط جنگی حاکم بر کشور و بحث کمبود منابع که آن هم به بازنشسته ها ارتباطی پیدا نمی کند مزایا مثل حق مسکن، بن خواربار و عائله مندی و حق اولاد افزایش پیدا نمی کند در این رابطه ما بحث های فراوانی را انجام دادیم حتی ۳۰٪ نمایندگان مجلس را بسیج کردیم و تظلم خواهی کردیم و حتی پیگیری کردیم که با دکتر عارف معاون اول رئیس جمهور جلسه داشته باشیم و با یکی از نزدیکان رئیس جمهور جلسه داشتیم و مطالب را مطرح کردیم و الان هم یکی از بحث های جدی ماست ولی در نهایت مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی فرمودند با توجه به هزینه های گزاف و کمبود منابع مالی توان ما در همین حد می باشد.

قطع برخی از مزایا برای تعدادی از بازنشسته ها موجب نگرانی عمیق ما شده:

بعنوان مثال خانم فرد بازنشسته ای که شوهرش فوت کرده حق عائله مندی به او تعلق می گرفته و مدتهای مدیدی این حق را دریافت نمیکرده ولی امسال برای اولین بار این حق عائله مندی را قطع کرده اند یعنی مبلغ ۲۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال از خانمی که شوهرش فوت کرده و حداقل بگیر است این مبلغ را کم کردند و مبلغ ۷۱۶ هزار تومان و حق مسکنش را هم کم کرده اند لذا ما خواهان پرداخت مجدد این مزایا به صاحبان حقش می باشیم و این را نیز به جد پیگیری میکنیم

انتظار داریم که امسال هم که سال سوم متناسب سازی است مرحله سوم آن اجرا شود، در مقطعی دوستان پیشنهاد دادند که افزایش دستمزدی به اندازه بازنشستگان لشکری و کشوری داشته باشیم و شرط تامین منابع را هم مطرح کردند که ما آنرا نپذیرفتیم بحث های فراوانی صورت گرفت و حتی پیشنهاد دادند که ترکیبی از فرمول مصوبه شورای عالی کار و فرمول افزایش حقوق بازنشستگان لشکری و کشوری اعمال شود که این هم مورد قبول ما واقع نشد پس از بحث های جدی و فراوان پذیرفتند که مصوبه شورای عالی کار را به شرط تامین منابع مالی اجرا کنند و همچنین خواستار این شدند که برای تامین منابع مالی ۲ الی ۳ ماه به آنها فرصت داده شود که ما باز هم شرط تامین منابع مالی را قبول نکردیم و خواستار اجرای دقیق مصوبه شورای عالی کار شدیم. در طول جلسات و بحث های متمادی ما درک کردیم و پی بردیم که اینطور نیست که مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی نخواهد مصوبه شورای عالی کار اجرا نکند بلکه با کمبود شدید منابع مالی مواجه می باشد، مشکل دولت مردانی بودند که در سنوات گذشته و امسال افزایش دستمزدی را برای شاغلین و بازنشستگان خود در نظر گرفتند که با دستمزد تعیین شده برای کارگران و بازنشستگان تفاوت قابل توجهی داشت و نوعی تبعیض آشکار بحساب می آید. نظر به اینکه تورم بالای ۶۰٪ می باشد اجرای دقیق قانون مصوبه شورای عالی کار پافشاری کردیم و در نهایت منجر به این شد که احکام براساس مصوبه شورای عالی کار (افزایش ۶۰٪ برای حداقل دستمزد و ۴۵٪ به اضافه مبلغ ثابت ماهانه مبلغ ۱۵۵۸۶۴۷۰ ریال برای سایر سطوح) اعمال شود و مقرر شد که امروز که ۱۷ خرداد ماه می



که در بهترین حالت سازمان چیزی حدود ۱۱۰ همت می توانست تامین منابع مالی داشته باشد، برای تهیه کسری منابع با مشکلات زیادی روبرو می شد **ما بعنوان مطالبه گر آنچه را که قانون تعیین کرده است اجرای آنرا طلب میکنیم:**

در اولین جلسه ای که تشکیل شد مطرح گردید که الان کشور در زمان جنگ سرد بسر می برد و یکسری از شرکت ها تعطیل شده اند و از بیمه پردازی خارج شده اند و از طرفی هم متقاضیان استفاده از بیمه بیکاری هم افزایش پیدا کرده است و ما مشکلات زیادی داریم در چنین شرایطی افزایش دستمزد به این شکل برای ما قابل قبول نیست در مقابل عنوان شد که ما می پذیریم که در شرایط و موقعیت جنگی قرارداریم و در کنار دوستان سازمان تامین اجتماعی قرار می گیریم و کمک می کنیم تا کسری منابع تامین شود، اما ما بعنوان یک مطالبه گر اجرای قانون را مطالبه میکنیم و پیگیری اجرای مصوبه شورای عالی کار هستیم و همچنین باید متناسب سازی که در مرحله آن طی سالهای ۴۰۳ و ۴۰۴ اجرا شده

اولیه هستند از پرداخت حق بیمه ۱۲ الی ۳ ماه معاف باشند.

مسئولیت وضعیت موجود بعهده دولت است نه سازمان تامین اجتماعی:

دولت اگر می خواهد به واحد های تولیدی آسیب دیده از جنگ کمک کند به منابع سازمان تامین اجتماعی دست اندازی نکند و از راهکارهای دیگری مثل مالیات استفاده کند و به هر میزان که می خواهد و می تواند به واحدهای آسیب دیده از جنگ کمک کند دولت به هیچ عنوان نباید از جیب سازمان تامین اجتماعی این کمک را انجام دهد منابع مالی سازمان تامین اجتماعی از محل دریافت حق بیمه ها تامین می شود ۹۰٪ این منابع از محل دریافت حق بیمه ها تامین می شود وقتی که حق بیمه ای پرداخت نشود مطمئناً سازمان با کسری شدید منابع مالی مواجه خواهد شد هزینه های سازمان تامین اجتماعی امسال تقریباً به ۲۳۰۰ همت می رسد گزارش شده که سازمان برای سال ۱۴۰۴ در یک ماه، چیزی حدود ۱۹۱ همت باید تامین منابع می کرد تا بتواند حقوق بازنشستگان و هزینه های درمان را پوشش دهد، از آنجا

خانوار را ۴۳ میلیون تومان محاسبه کرده اند و این بدان معنی است که اگر حقوق کمتر از ۴۳ میلیون تومان تعیین شود در تعیین این حقوق قانون رعایت نشده و تعیین این حقوق قانونی نیست و براساس تبصره ۲ ماده ۴۱ قانون کار نباید خانواده ای با بعد خانوار براساس استاندارد وجود داشته باشد که کمتر از ۴۳ میلیون تومان حقوق بگیرد

بین حداقل دستمزد تعیین شده با آنچه که باید براساس ماده ۴۱ قانون کار تعیین می شد فاصله معنی داری وجود دارد!!!

ملاحظه می فرمایید که حداقل دستمزد تعیین شده توسط شورای عالی کار که عدد ۵۵۴۱۸۵۰۰ ریال روزانه و ۱۶۶۲۵۵۵۰۰ ریال ماهانه می باشد با آنچه که باید براساس ماده ۴۱ قانون کار و تبصره ذیل همین ماده قانونی تعیین می شد فاصله زیادی وجود دارد دستمزد تعیین شده به نصف مبلغی که باید تعیین می شد نمی رسد (این عدد کمی بیشتر از ۳۸٪ حقوقی است که باید براساس قانون تعیین می شد).

مسبب وضعیت موجود کشور، سازمان تامین اجتماعی و کارگران و بازنشسته ها نیستند دولت اگر کمکی به واحد های آسیب دیده از جنگ می خواهد بکند به منابع تامین اجتماعی متوسل نشود:

در هر صورت الان ما در شرایط سخت جنگی بسر می بریم، امسال هم می خواستیم مثل سنوات گذشته آنچه را که شورای عالی کار مصوب کرده بود برای بازنشسته ها هم اجرا شود، در اولین جلسه ای که داشتیم یکسری مسائلی را مطرح کردند، مثل مشکلاتی که در اثر جنگ بوجود آمده است، از جمله تعطیلی تعدادی از کارخانجات و واحدهای تولیدی و اینکه شورای عالی امنیت ملی مصوب کرده است کارخانجاتی که در جنگ آسیب دیده اند و فاقد مواد

درخواست ما از کلیه مسئولین محترم احترام به قانون است رعایت و اجرای دقیق قانون در کلیه ابعاد و شئون در راس و صدر خواسته های ما قرار دارد. شخصاً بر این باورم که اجرای دقیق قانون می تواند ما را به هدف نزدیکتر کند. اعمال سلیقه قطعاً مشکلاتی را از گذشته تاکنون برای ما ایجاد کرده و می کند، متأسفانه کم نیستند مشکلاتی که ریشه در عملکرد سلیقه ای دارند. براساس سلیقه عمل کردن و به قانون تن ندادن و عدم تمکین در مقابل قانون گرفتاریهای زیادی را برای ما بوجود آورده است و مانع از دست یابی ما به هدف های عالی خودمان شده است، برای موفقیت و نیل به اهداف چاره ای جزء اجرای قانون نداریم.

اگر قانون بدرستی اجرا می شد و بشود بسیاری از مشکلات حل می شود و یا اصلاً بوجود نمی آمد: اگر قانون دقیق اجرا می شد امروز که در سال ۱۴۰۵ هستیم نباید کسی وجود داشته باشد که اعداد غیر قابل باوری مثل ۱۰ میلیون تومان و یا کمتر را دریافت کند. براساس ماده ۴۱ قانون کار حداقل دستمزد بایستی با توجه به ۲ مؤلفه زیر تعیین شود:

۱- با توجه به نرخ تورم اعلام شده از سوی مراجع رسمی مثل بانک مرکزی جمهوری اسلامی و یا مرکز آمار ایران.

۲- سبب معیشت خانوار. نیم نگاهی به تبصره ۲ ماده ۴۱ قانون کار بخوبی نشان می دهد که اگر شما براساس تبصره یک قانون کار (نرخ تورم) حداقل دستمزد را تعیین کردی ولی دستمزد تعیین شده کفایت تامین حداقل هزینه های یک زندگی که بعد خانوار آن براساس استاندارد تعیین شده را نکرد باید براساس تبصره ۲ ماده ۴۱ قانون کار حداقل دستمزد را طوری تعیین کنی که این خانواده بتوانند حداقل های مورد نیاز خود را تامین کنند. دوستان ما در شورای عالی کار سبب معیشت

دکتر محسن هدایتی

گفتگوی درونی و سرنوشت

مدیر یک شرکت هستید، زنی خانه دار یا نوجوانی با افکار مختلف یا در چه سن و سیمتی قرار دارید. تبدیل احساسات و گفتگوهای درونی به کلمات و گذاشتن این واژه ها روی صفحه مانیتور یا روی کاغذ، به ما احساس کنترل بیشتری بر اوضاع می دهد و تحقیقات نشان داده اند که همین کار ساده تا چه اندازه برای بالا بردن روحیه، پیدا کردن ایده های تازه و رهایی از سردرگمی مؤثر است. کافی است جرأت به خرج بدهیم، لپ تاپ را باز کنیم یا دفتری به این کار اختصاص بدهیم و هر روز رد گفتگوهای درونی را در قالب کلمات بگیریم و به آنها معنایی مفید ببخشیم

برای بالا بردن کیفیت چنین گفتگویی دو پیشنهاد داریم: ۱. از امروز به گفتگوهایی که در خلوت با خود داریم قدری دقیق تر شویم. به کلماتی که به تکرار در رابطه با خودمان و دیگران استفاده می کنیم عمیق تر فکر کنیم. به خودمان این اجازه را بدهیم که کلمات منفی و واژه هایی که بار معنایی مثبتی ندارند را با صدها کلمه بهتری که قابل جایگزین شدن هستند تعویض کنیم. اگر دیدیم در رابطه با خود دچار خودسرزنی مداوم هستیم، عباراتی تأکیدی و مثبت را روی یک برگه کاغذ یا یک صفحه word بنویسیم و این عبارات را جایگزین نگوشت های بی نتیجه کنیم. ۲. گفتگوی درونی مان را روی کاغذ بیاوریم. مهم نیست

به طور متوسط سرعت حرف زدن ما ۱۰۰ کلمه در هر دقیقه است، اما سرعت حرف زدن درونی ما با خودمان، حدود ۴۰۰۰ کلمه در دقیقه است. پس عجیب نیست اگر فکر کنیم گفتگوی درونی ما با خودمان و خلوت هایی که در درونمان داریم، در شکل دادن به سرنوشت کلی ما بسیار مؤثر است. بسیاری از ما تمایل داریم نحوه بهتر گفتگو کردن با دیگران را یاد بگیریم اما چنین وسواسی را در رابطه با خودمان نداریم. این در حالی است که اتفاقاً بخش مهم تری از سرنوشت روحی و عملکردی ما، به کیفیت گفتگوهای درونی ما برمی گردد.

آموزنده های سه گانه

در حوزه رهبری، نلسون ماندلا یک مورد خاص است چرا که او را در سراسر جهان بلااستثناء به عنوان یک رهبر عالی می شناسند. او در واقع پسر رئیس یک قبیله بود!

یک روز از او پرسیدند مهارت این سبک رهبری را از کجا آموختی؟ در پاسخ گفت وقتی با پدرش به جلسات قبیله ای می رفته و در این جلسات که پدرش با افراد مسن تر از خود می نشست دو چیز را به یاد می آورد: اول اینکه آنها همیشه دایره وار می نشستند، دوم اینکه پدرش همیشه آخرین نفری بود که صحبت می کرد!

در تمام عمر به ما می گویند باید یاد بگیریم خوب گوش بدهیم اما مهمتر از آن این است که باید یاد بگیریم همیشه آخرین نفر صحبت کنیم. خیلی وقتها در جلسات می بینیم افرادی که در رهبری نسبتا خوب هستند وارد یک جلسه می شوند و بدون مقدمه شروع به حرف زدن می کنند که مشکل آن است و راه حل این است!

مهارت نکه داشتن نظر خود تا تمام شدن سخن همه؛ دو کار می کند! اول اینکه همه حس می کنند که شنیده می شوند و در جلسه نقشی ایفا کرده اند، دوم اینکه قبل از ابراز نظر خود از شنیدن نقطه نظرات دیگران بهره مند شده و نظرشان قبل از بیان، پخته تر می شود! تمرین کنید آخرین نفری باشید که سخن می گوید!

نشر: گاهنامه مدیر

فرد دیگری در لابی منتظم بود و مرا به پشت همین سالن آورد و وارد اتاقی سبز شدیم و به من یک قهوه در یک فنجان لوکس سرامیکی داد. الان که دیگر در وزارتخانه نیستم، خودم به فرودگاه آمدم، با اتوبوس به هتل آمدم و خودم اتاقم را تحویل گرفتم و فرداش با تاکسی به محل اجلاس آمدم... هنگام ورود درخواست قهوه کردم و دستگاه قهوه ساز را نشانم دادند که در همین لیوان یکبار مصرف، قهوه را ریختم و وارد سالن شدم! فنجان سرامیکی هرگز برای خود من نبود بلکه برای مقامی بود که داشتم! من استحقاق همین لیوان یکبارمصرف را داشتم!

یادتان باشد، هرچه شهرت، مقام و ثروت بیشتری بدست می آورید، احترامتان بیشتر می شود و وقتی آدمها درها را برایتان باز می کنند، برایتان قهوه سرو می کنند و... هیچکدام از اینها خود شما نیست بلکه برای عناوین شماست یکی از مسئولان سابق وزارت دفاع (آمریکا) برای سخنرانی در یک کنفرانس که در آن بیش از هزار نفر حضور داشتند دعوت به سخنرانی شد. هنگام ارائه پاورپوینت، یک لیوان یکبار مصرف حاوی قهوه در دست داشت و گاهی به آن نگاه می کرد.

ناگهان گفت: پارسال که به عنوان یک مقام رسمی وزارتخانه به همین کنفرانس دعوت شده بودم، من را با تشریفات و کلاس بیزینس آوردند. به فرودگاه که رسیدم، یکی منتظم بود تا مرا به هتل ببرد... اتاقم را به من تحویل دادند و فردا صبح،

۳ - رهبری نلسون ماندلا:

زایمان دست پزشکان شسته و وسایلشان استریلیزه شود، مرگ و میر زنها هم متوقف می شود! که دقیقا همین شد و مشکل حل شد! بعضی وقت ها مشکل خود شما هستید. این درس را در بحرانهای مالی تجربه می کنیم؛ اساتید اقتصاد و مالی که خود را باهوش تر از ما میدانند، همه چیز را ویران کرده و همه چیز و همه کس به جز خودشان را سرزنش می کنند در حالی که مشکل؛ خودشان هستند! در صورتی می توانید همه کارهایی که درست انجام شده را به اسم خودتان تمام کنید که برای همه اشتباهات خود هم مسئولیت پذیر باشید!

۲- وقتی آدمها درها را برایتان باز می کنند، برایتان قهوه سرو می کنند و... هیچکدام از اینها برای خود شما نیست بلکه برای عناوین شماست یکی از مسئولان سابق وزارت دفاع (آمریکا) برای سخنرانی در یک کنفرانس که در آن بیش از هزار نفر حضور داشتند دعوت به سخنرانی شد. هنگام ارائه پاورپوینت، یک لیوان یکبار مصرف حاوی قهوه در دست داشت و گاهی به آن نگاه می کرد.

ناگهان گفت: پارسال که به عنوان یک مقام رسمی وزارتخانه به همین کنفرانس دعوت شده بودم، من را با تشریفات و کلاس بیزینس آوردند. به فرودگاه که رسیدم، یکی منتظم بود تا مرا به هتل ببرد... اتاقم را به من تحویل دادند و فردا صبح،

دکتر امیرعباس زینت بخش
دقت کنید گاهی اوقات مشکل خود شما هستید :
۱- در قرن ۱۸ میلادی یک بیماری در اروپا شیوع پیدا کرد که حتی به آمریکا هم رسید. نام آن تب زایمان بود به این صورت که زنها ظرف ۴۸ ساعت بعد از زایمان میمردند. این تبدیل به یک بیماری ویرانگر در قاره اروپا شد و هر روز اوضاع بدتر و بدتر میشد تا جایی که در برخی بیمارستان ها تا ۸۰ درصد زنان به علت زایمان فوت می کردند! اما این اتفاق مصادف بود با رنسانس و انقلاب علمی و فرهنگی و اصلاحات مذهبی که دیگر نمیشد آنرا با مذهب و عرفان و ماوراء طبعه حل کرد و دکترها باید با عقل و دانش و داده های تجربی خود علت موضوع را کشف می کردند.

روال کار پزشکان این بود که صبح ها در آزمایشگاه ها مشغول نمونه گیری و... بودند و بعد از ظهرها به کار زایمان زنان مشغول می شدند. تا اینکه در اواسط قرن ۱۸ دکتر اولیور وندل هولمز؛ قاضی القضاات آمریکا به این نکته پی برد که دکترها بعد از آزمایشگاه دست های خود را نمی شویند و در واقع متوجه علت اصلی ماجرا شد و به آنها گفت: مشکل خود شما هستید! آنها او را نادیده گرفته و تا ۳۰ سال دیوانه اش خواندند. تا اینکه نهایتا یکی از خودشان؛ بنام دکتر ایگناتس زملوایس به این حقیقت پی برد که اگر قبل از عمل

سیاست در لباس استادیوم؛

چرا برخی ترجیح میدهند متعصب بمانند تا آگاه؟

نتیجه گیری:
از هوادار به شهروند تیم های فوتبال میبند و میبازند و زندگی ما تغییر نمیکند؛ اما در سیاست، باخت یک تفکر غلط، یعنی برد یک ملت. اگر یاد بگیریم که «نقد خودی» بزرگترین شجاعت است، همیشه در لایه دوم باقی میمانیم؛ جایی که تعصب، ما را به سربازانی تبدیل میکند که برای «بناختن در کری خوانی»، حاضرند آینده کشور را قربانی کنند.
بیباید از خودمان پرسیم: x ما نگران ایرانیم، یا نگران بقدرت نرسیدان برخی سیاسیون قدرت طلب که برای منافع حزبی دیگران را سیاهی لشکر پشت خود کرده اند، و ما به تله ای افتادیم که تمام فکرمان اینست تا جلوی فلانی «کم نیآوریم»؟

خطرناک ترین بخش هواداری سیاسی اینجاست. همان طور که تماشاچی متعصب وقتی تیمش در یک بازی سرنوشت ساز میبازد، به جای تحلیل فنی، به خیابان میریزد، شیشه اتوبوس میشکند و آتش میزند، «هوادار سیاسی» هم در برابر شکست پروژه های جناحش، به «خشونت کلامی و ساختاری» روی می آورد. او چون نمیتواند با واقعیت «ناکامی» کنار بیاید و دلیلی هم برای دفاع منطقی ندارد، به زمین و زمان فحش میدهد، رقیب را لجن مال میکند و حاضر است امنیت روانی و فیزیکی جامعه را به خطر بیندازد تا خشم ناشی از «فرو ریختن بت ذهنی اش» را تخلیه کند. برای او، آتش زدن سطل آشغال یا ترور شخصیت منتقدان، راهی برای فرار از درد حقیقت است.

۲- لایه دوم: سد محکمی به نام هزینه غرق شده (بن بست فکری) x
در این لایه، فرد حتی ذره ای اجازه نمیدهد فکر دیگری به ذهنش خطور کند. چرا؟ چون او سالها با دوست و دشمن، با برادر و همکار، سر این تیم یا جناح «کری» خوانده، درگیر شده و پل های پشت سرش را خراب کرده است. پذیرش کمترین اشتباه از سوی جناح خودی، برای او به معنای «بناختن در برابر تمام رقبای زندگی اش» است. او ترجیح میدهد تا ابد در اشتباه بماند، اما در مقابل کسی که سالها با او بحث کرده، سرش را پایین نیندازد. اینجا نه برهانی وجود دارد و نه عقلانیتی؛ فقط «خو رو» است که جای همه چیز را میگیرد.
۳- لایه سوم: وقتی پاسخ ناکامی، خشونت است (شکستن شیشه اتوبوس ها)

جناحی علاقه مند شده اند. آن ها هیچ دلیل برهانی و اثباتی برای انتخابشان ندارند؛ اول «علاقه مند» شده اند و بعد برای این علاقه، شروع به توجیه و تفسیر کرده اند. برای این آدم ها، جناح سیاسی یک «معشوق» است، نه یک «برنامه کاری».
۱- لایه اول: وقتی «من» تبدیل به «جناح» میشود x
در این مرحله، فرد دیگر «طرفدار» یک تفکر نیست، بلکه با آن «یکی» شده است. جناح سیاسی برای او مثل پیراهن تیم محبوب است. نقد آن جناح، برای او نقد یک سیاست نیست، بلکه «توهین به ناموس فکری» و حمله به شخصیت خودش تلقی میشود. در این فضا، حقیقت اهمیت ندارد؛ فقط «برد تیم ما» مهم است.

احمد یغما
تا به حال فکر کرده اید چرا برخی در برابر واضح ترین استدلال ها، چشمانشان را میبندند؟ چرا سیاست برای بعضی ها از جنس «تدبیر برای آینده» نیست و دقیقا شبیه به «طرفداری از یک تیم فوتبال» شده است؟ بیایید این پدیده خطرناک را در سه لایه روان شناختی کالبدشکافی کنیم:
پیش لایه: انتخاب دلی، دفاع کورکورانه x
قبل از هر چیز باید بدانیم که بسیاری از این طرفدارانی ها، اصلا بر پایه «شناخت و آگاهی» نیست. درست مثل طرفدار تیمی مثل «منچستر»، که شاید یکبار در کودکی از رنگ پیراهن یا بازی یک بازیکن خوشش آمده و از آن روز «طرفدار» شده، در سیاست هم بسیاری صرفا بر اساس یک «حس زودگذر»، یک «سخنرانی پرشور» یا یک «جو خانوادگی» به

برای نجات ایران عقلای قوم با سرمایه فکری به میدان بیایند

دکتر عبدالکریم سروش

آنها عمل اهریمنی کردواین باعث میشود جهان پرازاهریمن شوددر میان گرگان، اگرگوسفندباشی تورامیدرندو این اخلاق بدمانندیک بیماری و آگیردار در حال گسترش است، برای مهارقدرت، دموکراسی و برای مهارثروت، سوسیالیسم راپیشنهاد کردندیچ کدام از اینهاکارنمیکندالان از دموکراسی در آلمان، هیتلردرآمداز دموکراسی در آمریکا، ترامپ درآمدهم اوکه اکنون بدتراز هیتلر عمل میکند. هیتلرمال قبل از دوران اعلامیه جهانی حقوق بشر بودولی این آقا مال ۸۰ سال بعد از اعلامیه جهانی حقوق بشر و صد بار از او بدکارتر سیاه نامه تر، نانجیب تر و بی حیاتر است و بی شرم تر و بی اخلاق تر است

بوده وخواهدبود چه بساکه بدیهابرنیکیهاغلبه کنندx اما اجازه نداریم ونبایدخودرا تعطیل کنیم x این حرکات فقط از هوس چند نفر برنمیخیزد بلکه چیزهایی درین تاریخ غرب ووجودانسان غافل از خدا وجود دارد که تاریخ رابه اینجا رسانده است این تمام ماجرا نیست شخصیتها در خلأ عمل نمیکند بلکه در دل یک ساختار و براساس سنت، تاریخ، تکنولوژی عمل میکنند که به آنها قدرت میدهد یا مانع ایجاد میکند.

در مبارزه با هیولا، خودت هیولا نشو!!!

نیچه که " در مبارزه با هیولا، خودت هیولا نشو" از این می نالدکه هیولاها چنان اهریمنی کرده اند که ناچارگاهی باید در مقابل

باید عقلای قوم بمیدان بیایند و اجازه داشته باشند فکرشان را در میان بگذارند تا گره ها باز شود ما مشکل لاینحلی نداریم بشرط اینکه کار را بدست عقلا بدهیم و خرد حاکم شود اینها فقط در گرو این است که آدمهایی که حرف دارند سرمایه های شان را بدون ترس بمیدان بیاورند.

توجه داشته باشیم که دو کفتر خونخوار بجان ملت ایران افتاده اند و روزی نیست که برغم و اندوه ایران نیفزایند. دوران سختی رامیگذرانیم فقط بی غیرت هایمیتوانند بی تفاوت باشند. باید درک کنیم و ببینیم که همه چیز را ما معین نمیکیم، گره ها به دست عقلا باز میشود به عقلا میدان بدید، مانعاید عقل و خرد را تعطیل کنیم : جهان مدیریت کلانی دارد و همه چیز را ما معین نمیکیم جهان پراز ستمگری

نفوذ بدون قدرت؛ چطور وقتی رئیس نیستیم رهبری کنیم؟

که بنظر می‌رسد نصف دوره‌ی زمانی هر کدام از سیکل‌ها مثبت و نیم دیگر آن منفی باشد. آگاهی داشتن از وضعیت سطوح انرژی فیزیکی و احساسی و ادراکی می‌تواند در افزایش بهره‌وری فرد کمک کند و برای مدیران و تصمیم‌گیران مهم و در دوره‌ی مثبت تفکر و ادراک نتیجه‌ی بهتری دارد و مهم‌تر از اینها دانستن روزهای بحرانی است که فرد باید بیشتر مراقب خود باشد. چون امکان اشتباه و خطا برایش وجود دارد و از انجام کارهای حساس و پر خطر بپرهیزد. روزهای بحرانی، روزهایی است که فرد بین منطقه‌ی مثبت و منفی قرار دارد و در حال بالا و پائین رفتن سینوسی ریتم آهنگ زندگی خود است و این شوک بین این دو مرحله، ایجاد ناپایداری و عدم ثبات می‌کند که باعث آشفتگی، خطا و اشتباه در نتیجه حادثه و یا یک تصمیم‌گیری خطا و خلاف اصول حرفه‌ای شود.

✕نشر: ✕ گاهنامه مدیر

این احساس همان آهنگ زندگی یا بیوریتیم است که شما را یک روز بمب انرژی و یک روز خالی از انرژی و بی‌رتم و بی‌حوصله می‌کند. بیوریتیم یک چرخه‌ایست که باعث می‌شود انرژی فیزیکی، حالات روانی و وضعیت احساسات ما و نیز توان فکری و قدرت یادگیری و حتی حس ششم ما همه به شکل دوره‌ای کم یا زیاد شود. واژه‌ی بیوریتیم در فرهنگ آکسفورد این‌گونه آمده است: هر الگوی مکرری از فعالیت‌های فیزیکی، احساسی و ادراکی که بر رفتار انسان اثر می‌گذارد. در سال ۱۸۹۰ میلادی برای نخستین بار یک پزشک آلمانی به نام «ویلیام فلیس» سیکل‌های بیوریتیم در بدن انسان را کشف کرد. در سال ۱۸۹۷ دکتر «هرمان سوپودا» روانشناس اتریشی در تحقیقات خود در دانشگاه وین متوجه شد که حالت جسمی هر انسان دارای سه سیکل دوره‌ای ۲۳ روزه فعالیت‌های جسمی و ۲۸ روزه‌ی احساسی و دوره‌ی ۳۳ روزه فکری است

از کسانی پیروی می‌کنند که حس می‌کنند «مسیر را بلدند». ۳. گوش دادن استراتژیک: به جای فروختن ایده‌تان، پرسید: «مشکل اصلی بخش شما چیست؟» و نشان دهید ایده شما چطور مشکل آن‌ها را حل می‌کند. ✕خلاصه درس:✕ رهبری یک رفتار است، نه یک پوزیشن کاری. اگر می‌خواهید نفوذتان زیاد شود، روی «سرمایه اجتماعی» خود سرمایه‌گذاری کنید، نه روی قدرتِ امضایتان. **بیوریتیم یا آهنگ زندگی** آیا تا به حال شده یک روز صبح از خواب برخاسته و دل‌تان نخواهد از رختخواب بیرون بیایید و برعکس روز دیگر بمب انرژی هستید و آنقدر احساس شادی می‌کنید که هر کاری را به بهترین وجه انجام می‌دهید و همکارانتان از احساس شادی شما هم احساس شادی می‌کنند؟

تحقیقات پروفیسور آدام گرنیت در دانشگاه وارتنون نشان می‌دهد که لزوماً «عنوان شغلی» باعث نمی‌شود دیگران از شما پیروی کنند. رهبری واقعی، توانایی نفوذ بر افرادی است که مستقیماً به شما گزارش نمی‌دهند. ✕ماجرا چیست؟✕ در سازمان‌های مدرن و شبکه‌ای، شما برای پیشبرد پروژه‌ها نیاز به همکاری بخش‌های دیگر دارید. وارتنون معتقد است نفوذ بر پایه «روابط و تخصص» بسیار پایدارتر از نفوذ بر پایه «ترس و دستور» است. ✕راهکارهای اجرایی:✕ ۱. قانون جبران قبل از اینکه درخواستی داشته باشید، به دیگران کمک کنید. طبق تحقیقات، آدم‌ها به کسانی که قبلاً به آن‌ها نفعی رسانده‌اند، سخت‌تر «نه» می‌گویند. ۲. اعتبار تخصصی: نشان دهید که در حوزه خودتان صاحب‌نظر هستید. آدم‌ها به طور غریزی

گزارش نشریه از برگزاری کارگاه آموزشی «ادراک امنیت و اقتصادی و رفاه خانواده» در شهرستان اصفهان

حرکات اصلاحی و ورزش، با اشاره به اهمیت سلامت جسمی در کنار سلامت روان، به بیان نکاتی درباره نقش فعالیت بدنی و حرکات اصلاحی در بهبود کیفیت زندگی بانوان و افزایش نشاط در خانواده پرداختند. این کارگاه در فضایی صمیمی و تعاملی برگزار شد و شرکت‌کنندگان با طرح پرسش‌ها و مشارکت در بحث‌ها از مطالب ارائه‌شده بهره‌مند شدند. در پایان نیز بر استمرار چنین برنامه‌های آموزشی در راستای ارتقای آگاهی بانوان، تقویت بنیان خانواده و توجه به سلامت جسمی و روانی جامعه تأکید شد.

خانواده‌محور در جامعه تأکید نمودند. در ادامه آقای افکار، مدرس و مشاور ارشد روان‌شناسی، به عنوان سخنران اصلی برنامه به تبیین مفهوم ادراک امنیت در خانواده، عدالت اقتصادی در روابط خانوادگی و نقش این عوامل در ایجاد آرامش و رفاه پایدار در زندگی خانوادگی پرداختند. ایشان با بیان شیوا، به نقش مدیریت صحیح روابط، درک متقابل و مسئولیت‌پذیری اعضای خانواده در تقویت امنیت روانی و اقتصادی خانواده اشاره کردند که مورد توجه و استقبال حضار قرار گرفت. همچنین در بخش دیگری از برنامه، خانم دکتر مستغنی، متخصص

به مناسبت هفته جمعیت، کارگاه آموزشی «ادراک امنیت و عدالت اقتصادی و رفاه خانواده» به همت اتحادیه زنان کارگر اصفهان برگزار شد. این برنامه روز سه‌شنبه ۲۹ اردیبهشت‌ماه در سالن کنفرانس خانه کارگر اصفهان برگزار گردید. در ابتدا، خانم راه‌روان، رئیس اتحادیه زنان خانه کارگر اصفهان، ضمن خوشامدگویی به شرکت‌کنندگان، به اهمیت توجه به موضوع جمعیت، تحکیم بنیان خانواده و نقش بانوان در ایجاد امنیت روانی و اقتصادی در خانواده اشاره کردند و بر لزوم افزایش آگاهی‌های



برگزاری سفرهای سیاحتی و زیارتی و تورهای یکروزه و بازدید از موزه‌ها و تهران‌گردی، رسالت فراموش‌نشده اتحادیه



برگزاری کلاس‌های آموزشی بهداشت و سلامت - چاردانگه

برگزاری کلاس‌های آموزشی بهداشت و سلامت گامی بلند در جهت حفظ و ارتقاء سلامتی بازنشستگان عزیز

